



## حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف

ما در زمینه مصرف، در زمینه هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله خود ما و به وسیله همه برادران هم میهن ما و به وسیله مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم، که باید این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم؛ این را من در اول سال، ان شاءالله در سخنرانی، با جزئیات آن برای مردم عزیزمان توضیح خواهم داد. اما امروز فقط اجمالا عرض می‌کنم؛ بسیاری از منابع کشور شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه زمینه‌ها - چه در زمینه مسائل شخصی و چه تا حدودی در زمینه‌های عمومی - صرف اسراف‌ها و زیاده‌روی‌های ما در مصرف می‌شود. ما باید مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی می‌رسد که منابع کشور به هدر می‌رود، شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می‌شود، عده‌ای در حسرت اولیات زندگی می‌مانند و عده‌ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می‌دهند.

ما باید الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما باید به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول - چه قوه مقننه، چه قوه مجریه و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه قضائیه و غیر آنها - و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، باید به این اصل توجه کنند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده‌روی‌های زندگی - مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطقی و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست. من از عموم مردم و به‌خصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خود را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند. لذا من این سال را، سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» می‌دانم و امیدوارم که این عنوان - که «اصلاح الگوی مصرف» است - برای همه ما دستورالعمل باشد و همه ما بتوانیم برطبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نماییم.

(بخشی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۸)

## مجلس و دولت الگوی مصرف را اصلاح کنند

جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح می‌کنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبت‌های متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره اسراف، درباره ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، به‌جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد.

نمونه دیگر، همین مسئله هدفمند کردن یارانه‌هاست، که این ناشی از تجربه بلندمدت نخبگان کشور است که در طول این سال‌ها به این نقطه رسیدند که یارانه‌هایی که از کیسه بیت‌المال - یعنی از جیب عموم مردم - بیرون می‌رود و به عموم تعلق می‌گیرد، بیشتر متوجه به قشرهایی بشود که نیاز آنها بیشتر است؛ یعنی قشرهای محروم و طبقات متوسط به پائین جامعه، از بیت‌المال و از کیسه عمومی ملت بیشتر برخوردار شوند تا طبقات بسیار مرفه و کسانی که در حقیقت احتیاجی هم به این یارانه ندارند. رسیدن به این حقیقت و تصمیم و عزم راسخ بر اجرای آن، ناشی از تجربه طولانی مدتی است که در طول این سال‌ها متراکم شده است و به مرحله عمل درآمده است.

یک اقدام اساسی در زمینه همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف،

... امسال اولین سال دهه چهارم انقلاب است که به نام «دهه پیشرفت و عدالت» نامیده شده است. این دهه را ده سال پیشرفت و عدالت کشور و نظام جمهوری اسلامی نامیدیم؛ در حالی که از آغاز انقلاب، ملت ایران با حرکت عظیم خود و با ایجاد و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به سمت پیشرفت و عدالت حرکت کرده است. ده سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده‌ایم؟ به نظر ما تمایز ده سال آینده با سه دهه گذشته، در آمادگی‌های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی‌ها به ملت بزرگ و مصمم ما اجازه می‌دهد که در این زمینه یک جهش و یک گام بلند نشان بدهد. ملت، آماده یک حرکت پرشتاب و بزرگی به سمت پیشرفت و عدالت است؛ چیزی که در دهه‌های قبل، این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود.

## شدت مصرف انرژی نگران کننده است

عباس کاظمی

هم‌اکنون شدت انرژی در ایران ۵ برابر متوسط جهانی است، به بیان دیگر مصرف انرژی ایران برای تولید یک میلیون دلار درآمد ناخالص ۹۰۰ تن معادل نفت خام است. واقعیت این است که با وجود تلاش همه‌جانبه و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت، کل منابع انرژی قابل دسترس کشور در سال ۱۳۸۵ افزون بر ۲۷۲۴ میلیون بشکه معادل نفت خام شده که در قیاس با سال ۱۳۸۴ رشدی ۴/۵ درصدی داشته است.

همچنین وضعیت مصرف نهایی انرژی بخش‌های مختلف کشور در سال ۱۳۸۵ در قیاس با سال پیش از آن رشد بالایی داشته است، به نحوی که مصرف نهایی انرژی کشور شامل بخش‌های خانگی و تجاری، کشاورزی، حمل و نقل، صنایع و نیروگاه است و در این میان بخش خانگی بیشترین مصرف را دارد. مصرف نهایی انرژی در بخش خانگی و تجاری کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۴۱۱ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت خام بوده که این میزان مصرف در قیاس با سال پیش از آن ۱۵/۳۳ درصد رشد داشته است. همچنین مصرف نهایی انرژی در بخش کشاورزی کشور در سال ۱۳۸۵ برابر با ۳۶ میلیون و ۳۲۰ هزار بشکه معادل نفت خام بوده که این میزان مصرف در قیاس با سال پیش از آن، ۹/۳ درصد رشد داشته است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که مصرف نهایی انرژی در بخش حمل و نقل کشور در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۶۶ میلیون و ۴۴۰ هزار بشکه معادل نفت خام بوده که این میزان مصرف در قیاس با سال پیش از آن، ۶/۶۹ درصد رشد داشته است. همچنین مصرف نهایی انرژی در بخش صنایع کشور در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۰۲ میلیون و ۴۵۰ هزار بشکه معادل نفت خام برآورد شده است که این میزان مصرف در قیاس با سال پیش از آن، ۲/۷۲ درصد رشد داشته است. از سوی دیگر مصرف نهایی انرژی در نیروگاه‌های حرارتی کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۷۹ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه معادل نفت خام بوده که این میزان مصرف در قیاس با سال پیش از آن، ۵/۹ درصد رشد داشته است.

### اعمال سیاست‌های قیمتی

هم‌اکنون بالاترین میزان بهره‌وری انرژی مربوط به کشور ژاپن است، این کشور با مصرف ۶۲ تن معادل نفت خام انرژی، یک میلیون دلار درآمد ایجاد می‌کند اما میزان مصرف انرژی در خاورمیانه برای تولید یک میلیون دلار درآمد ناخالص حدود ۳۶۱/۱ تن معادل نفت خام است. مقایسه شدت مصرف انرژی ایران با کشورهای مختلف در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد: شدت انرژی در ایران ۳/۵ برابر ترکیه، ۲/۳ برابر چین، ۱۴/۵ برابر ژاپن، و ۵ برابر متوسط جهانی است که این میزان تا افاق ۱۴۰۴ با ۳۰ درصد کاهش به رقم ۶۳۰ و تا سال ۱۳۹۳ با ۱۰ درصد کاهش به رقم ۸۱۰ خواهد رسید. همچنین در مقایسه شدت مصرف انرژی کشورهای مختلف در سال ۱۳۸۵، می‌بینیم که در کشورهای OECD، ۱۲۲/۱، در کشور کره جنوبی ۱۷۶/۶، در ترکیه ۲۵۴/۹، چین ۲۸۶/۲، عربستان سعودی ۲۲۵/۱ و در آمریکای شمالی ۱۳۷/۸ تن معادل نفت خام انرژی مصرف می‌شود تا یک میلیون دلار درآمد ناخالص ایجاد شود. براساس اطلاعات یاد شده، شدت مصرف انرژی در ایران بیش از ۷ برابر کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی جهان است، در واقع مجموع این کشورها برای تولید یک میلیون دلار درآمد ناخالص کمتر از یک هفتم برابر ایران انرژی مصرف می‌کنند، از این رو اصلاح ساختاری کلان در مدیریت انرژی کشور ضروری است، به همین منظور تمرکز بر مدیریت تقاضا در بهینه‌سازی مصرف سوخت از طریق اعمال سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی به طور هم‌زمان مؤثر خواهد بود.

مدیرعامل شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت ایران

... چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را

نمی‌کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می‌فرماید: «و لاتسرفوا ان الله لا یحب المسرفین»، «کلو و اشربوا و لاتسرفوا»؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید. در آیه شریفه دیگر: «کلو من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه یوم حصاده و لاتسرفوا انه لا یحب المسرفین». خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد ... این مناسب یک جامعه اسلامی است؟ اینجوری می‌شود به عدالت رسید؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. مسئولان موظفند اسراف فقط در زمینه فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف می‌شود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطی، شبکه‌های انتقال برق، سیم‌های برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می‌رود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر می‌رود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. اینها اسراف‌های ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد ... هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمان‌ها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ای به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه مقننه و قوه مجریه موظفند به پیگیری برنامه‌ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجرا کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی از آن مربوط به همین قضیه است. این صرفه‌جویی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت؛ آب را صرفه‌جویی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ای در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سال‌ها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته می‌شود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمک‌های دولتی، از کمک‌های عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف می‌کنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف می‌کنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه بیشتری بدهند.

گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۱۳۸۸/۱/۱

مصرف بیهوده و مصرف هدر، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می‌کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما اینجوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. در آیات شریفه قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه اقتصادی می‌زند، هم لطمه فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده کشور را تهدید می‌کند.

من یکی دو تا از این آمارهای تکان‌دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در قلم‌های مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان ... یا در مورد آب بررسی‌هایی که کرده‌اند، می‌گویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرابی نیست. حداکثر صرفه‌جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید می‌شود، از راه‌های دور آورده می‌شود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار می‌رود تا این آب به خانه ما بیاید؛ بعد در خانه ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسراف‌هایی دارد. آنچه که بر حسب بررسی‌ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حامل‌های انرژی - مصرف می‌کنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف می‌شود، با کالایی که تولید می‌شود؛ که هرچه انرژی‌ای که مصرف می‌شود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسراف‌هایی است که در جامعه دارد انجام می‌گیرد.